

36-228'

۳۶-۲۲۸'

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

228

Case No. 36

Date of filing: 20 NOV 86

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of MR HOLTZMAN
- Date 20 NOV 86
_____ pages in English - 13 pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
DISSENTING OPINION OF JUDGE HOLTZMANN

Case No. 36

Chamber One

پرونده شماره ۳۶

شعبه یک

حکم شماره ۱-۳۶-۳۵۹

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دعوى ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	20 NOV 1988 ۱۳۶۵ / ۸ / ۲۹
No.	36

English version Filed on <u>5 Nov 86</u> ۱۳۶۵ / ۸ / ۲۹	نسخه انگلیسی در تاریخ ثبت شده است.
--	---------------------------------------

فلکسی - ون لیسینگ، اینک،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

نظر مخالف قاضی هولتزمن

اینجانب با حکم صادره در پرونده حاضر مخالفم زیرا [بموجب این حکم] بابت اجاره بهای پرداخت نشده و وسایل و تجهیزات مسترد نشده که بموجب قراردادهای اجاره با دو شرکت کشتیرانی صادره شده توسط دولت جمهوری اسلامی ایران ("دولت") می بایست به فلکسی - ون لیسینگ، اینک (فلکسی - ون) داده می شد، خسارتی پرداخت نمی شود. دیوان با وجود اینکه می پذیرد که قراردادها وجود داشته، اجاره بها پرداخت نگردیده و وسایل و تجهیزات در ایران نگهداشته شده، و شرکتهای مورد بحث تحت کنترل کامل دولت بوده اند، با اینحال به نتیجه غیرعادلانه فوق رسیده است. دولت نمایندگان خود را

جانشین مدیران دو شرکت فوق نموده و اکنون نباید اجازه یابد از مسئولیت خسارتی که به فلکسی - ون وارد ساخته، شانه خالی کند.

اول

فلکسی - ون شرکتی است که در ایالات متحده تشکیل شده و کانتینرهای حمل بار، شاسی یدک کش و وسائل ترابری دریائی را در سطح جهانی به اجاره واگذار می کند. شرکت فوق در جریان عملیات تجارتي خود وسائلی را به دو شرکت کشتیرانی ایرانی که با یکدیگر ارتباطی نداشتند، یعنی شرکت استارلاین ایران ("استارلاین") و شرکت ایران اکسپرس لاینز ("ایران اکسپرس") به اجاره داد. در کلیه قراردادهای که طبق چند فرم استاندارد تنظیم یافته، اجاره کننده ملزم گردیده که اجاره بهای ماهانه بپردازد، در پایان قرارداد وسائل را به فلکسی - ون عودت دهد، و ارزش وسائل و تجهیزات مسترد نشده را به فلکسی - ون بپردازد. به موجب قراردادهای اجاره، هریک از اجاره کنندگان متعهد بوده که وسائل را محافظت و در وضع مطلوب عملیاتی نگهداری نماید، و در صورت از بین رفتن، سرقت یا آسیب دیدگی وسائل، ارزش آنها را به فلکسی - ون بپردازد.

دیوان تأیید می کند که قراردادهای اجاره موجود و معتبر بوده است. (۱) حکم،

(۱) دیوان اظهار می دارد که "ضمن بررسی ماهیت ادعاهائی که علیه دولت اقامه شده، [دیوان] چنین فرض کرده که بعضی روابط قراردادی بین (فلکسی - ون) و دو شرکت ایرانی مزبور وجود داشته است". حکم، صفحه ۱۷. هزاران قرارداد جداگانه مبنای ادعاهای پرونده حاضر می باشد. وجود قراردادهای مزبور با اسناد بسیار متعددی ثابت می شود که برخی از آنها از ناحیه کارگزارانی در بنادر خارجی است، بدانسان که در صنعت کشتیرانی متداول است. دیوان به منظور روشن کردن وضع اینهمه اسناد پر حجم طی دستورهای مورخ ۷ ژانویه ۱۹۸۳ [۱۷ دیماه ۱۳۶۱] و ۱۸ آوریل ۱۹۸۳ (۲۹ فروردین ماه ۱۳۶۲) خود از فلکسی - ون خواست که گزارشی از یک موسسه مستقل حسابدارن رسمی، حاوی خلاصه‌ای از اسناد حجیم در تأیید ادعاها و نیز ارزیابی روش محاسبه مبالغ لازم التادیه که فلکسی - ون به کار برده، تسلیم نماید. در گزارش

صفحات ۱۶ و ۱۷. دیوان این امر را نیز تأیید می کند که هر دو شرکت استارلاین و ایران اکسپرس قراردادهای را نقض کردند، و نتیجه می گیرد که "اختلافی در این مورد نیست که هر دو شرکت استارلاین و ایران اکسپرس پرداخت اجاره بها را متوقف و از استرداد تجهیزات خودداری می کردند". صفحه ۲۴ حکم، رجوع کنید به همان ماخذ صفحات ۲۰ و ۲۱.

دیوان نه تنها این موارد نقض قرارداد را تأیید می کند، بلکه نظر می دهد که دولت هر دو شرکت استارلاین و ایران اکسپرس را ضبط کرده است. دیوان نظر داده که "ادله ثابت می کند که قبل از فوریه ۱۹۸۰ استارلاین "مصادره شد"، و بنیاد مستضعفان ("بنیاد") مدیریت آن را به عهده گرفت، و بر آن اساس "ظاهراً" واضح است که استارلاین از طریق بنیاد تحت کنترل دولت قرار گرفت". صفحه ۱۹ (متن انگلیسی). همچنین دیوان در مورد ایران اکسپرس نظر داده که از مدیران سابق خلع ید شده و بعد از فوریه ۱۹۸۰ یکی از مقامات وزارت راه و ترابری ("وزارت")، ایران اکسپرس را که واقعاً "تحت کنترل دولت قرار گرفته بود، اداره می نمود". صفحه ۲۲ متن انگلیسی

ادامه پاورقی شماره ۱ از صفحه قبل

موسسه حسابداری، وجود قراردادهای اجاره مورد تأیید قرار گرفت. در دستورهای فوق به دولت این حق داده شد که اسناد تأییدی را بازرسی و قبل از جلسه استماع، نظرات کتبی خود را درباره گزارش موسسه حسابداری تسلیم نماید. دولت از فرصت مزبور جهت بازرسی اسناد و تسلیم نظرات کتبی درباره گزارش مزبور تا بعد از جلسه استماع استفاده به عمل نیاورد. دیوان اظهار نظر کرده که "در مورد وجود و اعتبار یکایک هزاران اجاره نامه ادعائی اظهار نظر بخصوصی نمی کند" همان ماخذ. هرچند دیوان نظر کلی دائر بر وجود روابط قراردادی ابراز داشته، ولی با توجه به اینکه بنابدلائل دیگر منکر مسئولیت شده، قابل درک است که چنین اظهار داشته "دیوان لازم نمی بیند به موضوع وجود قراردادهای اجاره.....پردازد" همان ماخذ صفحه ۱۶.

حکم (۲).

تحت این شرایط قابل درک است که فلکسی - ون بر آن شد که فقط از جمهوری اسلامی ایران به عنوان خواننده نام برد، زیرا بر این عقیده بود که اقدامات دولت علت العلل خسارتی بوده که به فلکسی - ون وارد شد، همانطوری که اینجانب نیز همین عقیده را دارم. همانطوری که فلکسی - ون در دادخواستش توضیح داده، با نام بردن جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها خواننده این پرونده، فلکسی - ون به پاراگراف ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی استناد می جوید که به موجب آن "ایران" شامل هر واحد تحت کنترل دولت نیز می باشد.

دوم

در حکم تاریخچه اقداماتی که به موجب آن استارلین و ایران اکسپرس توسط دولت ضبط گردید، مشروحا" ذکر شده است. در مورد استارلین، دیوان تصمیم مورخ دسامبر ۱۹۷۹ دادگاه انقلاب اسلامی را نقل می نماید که به موجب آن دادگاه مزبور "حکم به مصادره شرکت استارلین داده و اداره آن را موقتا" به بنیاد مستضعفان... سپرده است". صفحه ۱۷ (متن انگلیسی) حکم. باید بخاطر داشت که دیوان در یک پرونده قبلی اظهار نظر

(۲) این نظر مطابق با نظرات ابرازی در سایر پرونده ها می باشد که در آن دیوان بمنظور احراز صلاحیت خود نظر داد که استارلین و ایران اکسپرس دو واحد تحت کنترل دولت می باشند. رجوع کنید به سیاگو اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران حکم شماره ۲ - ۲۶۰ - ۶۱، پاراگراف ۱۷ [۲۰ ژوئن ۱۹۸۶/۳۰ خردادماه ۱۳۶۵]، ریگو واگنر ایکوئیمنت کامپنی و شرکت ایران اکسپرس ترمینال، حکم شماره ۳-۱۶-۳۰ [۱۸ مارس ۱۹۸۳/۲۷ آسفندماه ۱۳۶۱] که در Iran-U.S. C.T.R. 141 2 به طبع رسید، ریگو واگنر ایکوئیمنت کامپنی و شرکت استارلین ایران، حکم شماره ۳-۱۷-۲۰ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۲/۲۴ آذرماه ۱۳۶۱] که در Iran-U.S. C.T.R. 411 1 به طبع رسید.

کرده که بنیاد مزبور "وضعیت دولتی" داشته و "اختیارات دولتی" اعمال می نماید. هایت اینترنشنال کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران قرار اعدادی شماره ۱-۱۳۴-۵۴ صفحات ۳۱ - ۲۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۶/۲۶ شهریورماه ۱۳۶۵].

بدینترتیب بنیاد بخش لاینفک دولت است که اموال صادره شده را اداره نموده و وجوه حاصله از موسسات ضبط شده را جهت کمک به اجرای مسئولیتهای دولت جهت تامین رفاه اجتماعی برای اتباع خود بمصرف می رساند. این نقش مدیریت از اساسنامه بنیاد ناشی می شود که ماده ۲ آن مقرر داشته، اموال ضبط و توقیف شده "به منظور مدیریت" "در بنیاد متمرکز گردد". همان ماخذ، صفحه ۲۴ (با نقل ماده ۲).

در یک نشریه دولتی وظائف مدیریت بنیاد بشرح زیر توصیف شده: "این موسسه از اموال و سرمایه بازیافته طبق یک برنامه حساب شده بسود محرومین بهره برداری می نماید". همان ماخذ، صفحه ۲۸ (نقل از وزارت ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران، دست آوردهای انقلاب اسلامی ایران، ۵۶ [۱۹۸۲]. یک نویسنده صاحب نظر ایرانی این نقش بنیاد را به نحو مشروحتری چنین توصیف نموده است:

"با پیروزی انقلاب اسلامی... چپاولگران و نزول خواران فرار کردند، مایملک آنها توقیف شد و به اموال عمومی تبدیل گشت. این اموال بنحوی بود که اداره و جریان آن واحد یا موسسه جداگانه‌ای را الزام آور می ساخت. منظور از تاسیس (بنیاد) تقبل نظارت اموال مزبور بود...

(بنیاد) مسئول حفاظت و اداره اموال و شرکتهای توقیف شده بوده و درآمد حاصله مربوطه را بنفع طبقه محروم و ستمدیده جامعه به مصرف می رساند...

همان ماخذ (به نقل از ام. مهاجری، انقلاب اسلامی... راه آینده ملل ۷۸ (۱۹۸۲))

[تاکید اضافه شده است].

بدین ترتیب بنیاد یک سهامدار عادی استارلاین نیست. بنیاد به موجب دستور دادگاه انقلاب و نه طبق رویه های جاری شرکتها، مدیریت سابق را تعویض نموده و وظیفه اداره امور شرکت را از هر لحاظ به عهده دارد.

وضع ایران اکسپرس مشابه وضع استارلاین است و تنها تفاوت در این است که ایران اکسپرس تحت کنترل وزارت راه و ترابری قرار گرفت نه بنیاد. در سوگندنامه رابرت اچ. یوترویک عمل توقیف بروشنی توصیف شده که در حکم بشرح زیر خلاصه گردیده:

آقای یوترویک اظهار می دارد که از زمان تاسیس شرکت در سال ۱۹۷۴ تا اواخر فوریه یا اوائل مارس ۱۹۸۰ که اعضای ایرانی هیئت مدیره ایران اکسپرس به وی و سایر اعضای غیر ایرانی هیئت مدیره اطلاع دادند که سه مدیر منصوب دولت همراه با پاسداران انقلاب به دفتر ایران اکسپرس در تهران وارد شده، آنرا اشغال و از مدیران و روسای شرکت خلع ید کردند، سهامدار و معاون مدیر عامل ایران اکسپرس بود.

صفحه ۲۱ (متن انگلیسی) حکم، [تاکید اضافه شده است]. این امر قطعا" توصیف رویه معمولی شرکت در مجمع عمومی جلسه سهامداران به منظور انتخاب مدیران یا توصیف جریان متداول دیگری در شرکتها نیست. اسنادی که به عنوان مدرک ارائه گردیده، ثابت می کند که از زمان مصادره تا حداقل ژوئیه ۱۹۸۲ یکی از مقامات وزارت راه و ترابری، ایران اکسپرس را اداره می نموده است.

سوم

بنابراین چرا دیوان در قبال نقض آشکار قرارداد توسط شرکتهائی که بنظر دیوان توسط

دولت صادره شدند، غرامتی به فلکسی - ون پرداخت نمی کند؟ دیوان بر این اساس به نتیجه فوق رسیده که استارلاین و ایران اکسپرس بعد از صادره همچنان بصورت "واحدهای جداگانه" باقی ماندند، ولو تحت مدیریت دولت، و همچنین بر اساس این نظر خود که "فلکسی - ون راجع به اینکه هرگونه اقدامی توسط دولت موجب شده باشد که هریک از این دو شرکت قراردادهای اجاره را نقض نمایند، دلیلی ارائه نکرده است. و با توجه به عدم ارائه چنین دلیلی نمی توان دولت را مسئول نقض قراردادهای اجاره توسط استارلاین و ایران اکسپرس دانست." صفحات ۲۵ - ۲۴ (متن انگلیسی) حکم. بدینترتیب دیوان به وجود وجه تمایز (حجاب شرکت) بین دولت و دو شرکت مزبور استناد می نماید.

البته درست است که دادگاههای داخلی و دیوانهای بین المللی معمولاً "شرکت را به عنوان واحدی جدا از سهامداران آن تلقی می کنند. این نظریه حجاب شرکت بدانجهت بوجود آمد که مسئولیت سهامداران عادی را محدود سازد تا سرمایه گذاری تشویق شود. ولی دادگاهها و دیوانهای داوری لدی الاقتضا حجاب شرکت(۳) را خرق می نمایند. رجوع کنید به:

First National City Bank v. Banco para el Comercio Exterior de Cuba, 103 S.Ct. 2591 (1983); Note, Piercing the Corporate Veil: The Alter Ego Doctrine Under Federal Common Law, 95 Harv. L. Rev. 853 (1982); Bauschke, Lifting the Veil in German and French Law, 1976 J. Bus. L. 294; Company Law in Europe 149 - 50, 250 (S. Frommel & J. Thompson eds. 1975).

(۳) رویه خرق حجاب شرکت "عدم رعایت شخصیت حقوقی شرکت" یا "تئوری شخصیت ثانوی" یا "تئوری سازمان تابع" نیز نامیده می شود.

حجاب شرکت (در صورتی که اصولاً حجابی باقیمانده باشد) باید در اوضاع و شرایطی شبیه به اوضاع پرونده حاضر خرق گردد، وضعی که در آن دولت شرکت را مصادره و بدون توجه یا توسل به روشهای عادی شرکتی، از مدیران سابق خلع ید و سپس نمایندگان خود را جهت اداره امور شرکت نصب می نماید. دکتترین حجاب شرکت که منظور از آن محدود ساختن مسئولیت سرمایه گزاران در امور تجاری است، نمی تواند در جهت حمایت از دولتی مورد استناد قرار گیرد که آنچه را که خود آنرا اموال عمومی می نامد، مصادره می نماید و مدیریت آنرا بعهده می گیرد. همچنین حجاب شرکت نمی تواند در موردی شبیه پرونده حاضر که در آن شرکتها به حدی غیرقابل تشخیص از دولت شده اند که صرفاً به شخصیت های ثانوی دولت تبدیل گردیده اند، به موجودیت خود ادامه دهد. رجوع کنید به بخش دوم فوق.

ولی حتی اگر حجاب شرکت خرق نگردد، دولت را باید طبق مقدمه استدلال خود دیوان مسئول شناخت. دیوان اعتراف می نماید که دولت "مسئول خسارات ناشی از نقض قراردادهای اجاره خواهد بود، مشروط بر آنکه [وی] موجب شده باشد (استارلین و ایران اکسپرس) قراردادهای مزبور را نقض کنند، یا اینکه دولت مانع آنها در اجرای قرارداد گردیده باشد". صفحه ۲۴ (متن انگلیسی) حکم. اوضاع و احوال پرونده حاضر بنحو غیرقابل اجتنابی به این نتیجه گیری منجر می گردد که دولت واقعا "موجب شده که دو شرکت تعهدات قراردادی خود را نادیده انگارند. در واقع اظهار دیوان دایر بر اینکه "هرچند استارلین و ایران اکسپرس واحدهای تحت کنترل دولت هستند، ولی باید چنین فرض کرد که چون در فعالیت های روزمره خود از آزادی عمل قابل ملاحظه ای برخوردارند، لذا درباره معاملات تجاری خود راساً تصمیم می گیرند، مگر آنکه مدرکی خلاف آن وجود داشته باشد"، بی شباهت به سفسطه نیست. همان ماخذ، صفحه ۲۳. بعد از مصادره، هیچیک از مدیران استارلین یا ایران اکسپرس باقی نماند که بتواند تصمیمی اتخاذ نماید و تنها نمایندگان دولت شرکت را اداره می کردند. آنچه در حکم

«تصمیمات خود شرکتها» نامیده شده، عبارتست از تصمیمات نمایندگان دولت که آنها را اداره می‌کردند. من باب مثال، سوگندنامه ریچارد ماس، یعنی نماینده‌ای که فلکسی - ون جهت تلاش برای استرداد تجهیزات خود به ایران اعزام نمود، این مطلب را تأیید می‌کند. آقای ماس اظهار داشت که بین ژانویه ۱۹۸۰ و سپتامبر ۱۹۸۱، بنیاد نمایندگانی منصوب نمود که بر عملیات استارلاین نظارت می‌کردند، و کلیه تصمیمات مهم می‌بایستی توسط نمایندگان بنیاد اتخاذ می‌شد. به گفته وی، هرگونه تصمیم درباره وسایل و تجهیزات فلکسی - ون «می‌بایستی توسط (بنیاد) تأیید گردد». این مدرک رد نشده است. همچنین دلیلی برای این باور وجود ندارد که در ایران اکسپرس وضع بگونه‌ای دیگر بوده، زیرا در این مورد مدارک حاکی از آن است که از مدیران سابق آن خلع ید شده و یکی از مقامات وزارت راه و ترابری به عنوان مدیر ارشد آن عمل می‌کرده است.

یک جنبه حیاتی در اداره امور استارلاین و ایران اکسپرس عبارت بود از اتخاذ تصمیم درباره اینکه آیا میلیونها دلار طلب فلکسی - ون بابت اجاره بها باید پرداخت شود یا نه، و یا اینکه تجهیزات ارزشمند فلکسی - ون به وی اعاده گردد یا خیر. قطعاً نمایندگان بنیاد و وزارت راه و ترابری می‌بایستی این تصمیم را اتخاذ کرده باشند، زیرا شخص دیگری باقی نمانده بود که بتواند این تصمیم را بگیرد.

دیوان در زمینه مشابهی خاطر نشان ساخته که فلکسی - ون مدرکی حاوی «دستورالعمل ها، توصیه ها یا دستورهای خاصی صادره از طرف بنیاد یا دولت» ارائه نداده که در آن خواسته شده باشد که اجاره بها پرداخت نشود یا تجهیزات اعاده نگردد. صفحه ۲۰ حکم. ولی مسلم است که فلکسی - ون به هیچیک از مکاتبات داخلی مدیریت دسترسی نداشت. در اظهار این نظر که فلکسی - ون نمی‌تواند خسارت دریافت کند زیرا اسنادی را که صرفاً «دراختیار شرکت مصادره شده یا نمایندگان دولت که آنها را اداره می‌کردند،

بود، ارائه نداده دیوان بار اثبات امر محالی را بدوش فلکسی - ون می‌گذارد. دیوان تاکید می‌نماید که برخلاف فلکسی - ون در این پرونده، در پرونده فورموست تهران، اینکوریپتد و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۲۳/۳۷-۲۲۰ صفحات ۲۴ تا ۲۹ [۱۱ آوریل ۱۹۸۶/۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۵]، خواهان توانست مدارکی حاوی آن اقدامات خاص از طرف دولت که او را از حقوقش محروم نمود، به دیوان تسلیم نماید. صفحات ۲۳ و ۲۴ حکم. لیکن باید توجه داشت که در مورد فورموست وضع کاملاً متفاوت بود. در پرونده فورموست، خواهان بنیانگذار و سهامدار عمده شرکتی بود که دولت آنرا مصادره کرده بود، و فورموست نمایندگانی در ایران نگهداشته بود که تا مدتی بعد از مصادره در فعالیتهای شرکت مشارکت داشتند. در نتیجه فورموست توانست صورتجلسات و سایر اسنادی را که بعداً جهت اثبات اقدامات نمایندگان دولت به دیوان تسلیم داشت در همان زمان بدست آورد. درست برعکس، فلکسی - ون که صرفاً تامین کننده تجهیزات و خارج از شرکت بود، چنین وسیله ای برای مشاهده اقدامات نمایندگان دولت، یا شرکت در جلساتی که طی آن تصمیمات مربوط به آن اتخاذ می‌شد، در اختیار نداشت.

همچنین باید توجه داشت که در حقوق بین الملل، فعل و ترک فعل یک دولت می‌تواند برای آن ایجاد مسئولیت نماید. اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کوریپوشن و آی تی پی اکسپورت کوریپوشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۹۶، صفحه ۴۷ (متن انگلیسی) [۲۴ اکتبر ۱۹۸۶/دوم آبان ماه ۱۳۶۵]، تیپتس، ایت، مک کارتی، استراتون و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۷ - ۱۴۷، صفحات ۱۱ و ۱۲ (متن انگلیسی) [۲۹ ژوئن ۱۹۸۴/۸ تیرماه ۱۳۶۳] که در 6 Iran-U.S. C.T.R. 219, 226 به طبع رسید. بنابراین اثبات اینکه بنیاد یا وزارت راه و ترابری دستور خاصی به استارلین یا ایران اکسپرس داده، لزومی ندارد، همین قدر کافی است که دولت ضمن اداره شرکتهای مزبور، تعهدات قراردادی آنها را نادیده انگاشته است.

بنابراین اینجانب (اگر اختیار داشتم) حکم به پرداخت خسارت بابت نقض قراردادهای اجاره به فلکسی - ون می دادم، باضافه بهره طبق روشی که در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱ - ۱۶۴ - ۱۸۰ [۲۷ ژوئن ۶/۱۹۸۵ تیرماه ۱۳۶۴] محاسبه شد. اینجانب همچنین حکم به پرداخت هزینه های داوری که طبق نظر جداگانه ام در پرونده سیلوانیا تعین شده نیز می دادم.

چهارم

فلکسی - ون ادعای خود را بر مبنای چند نظریه مختلف حقوقی قرار داده است. از آنجا که بنا بدلائل مذکور در فوق حکم به پرداخت خواسته صادر می کردم، لذا لازم نیست درباره سایر مبنای ادعای فلکسی - ون بحث کنم. معهذاً، لازم است درباره چند اشتباه در بحث دیوان راجع به مبنای دیگر ادعای فلکسی - ون، دایر بر اینکه دولت با نگهداری تجهیزات فلکسی - ون و خودداری از پرداخت اجاره بها بطور غیرعادلانه دارا شده است، اظهار نظر کنم.

در حکم اظهار نظر شده که فلکسی - ون حق دریافت خسارت بر این مبنا ندارد زیرا ثابت نکرده که دولت از تجهیزات "عملاً" استفاده نموده است". صفحه ۲۸ حکم. لیکن سایر دیوانهای بین المللی ارائه دلیل "استفاده واقعی" را الزامی ندانسته و بجای آن چنین اظهار نظر کرده اند که منتفع شدن منجر به دارا شدن بلاجهت زمانی، به وقوع می پیوندد که کالا جهت استفاده در اختیار کشوری باشد، صرفنظر از اینکه خواهان بتواند موارد خاصی از این قبیل استفاده را ارائه دهد یا خیر. "استفاده عملی" برداشت نادرستی است که اولین بار در پرونده سی - لند سرویس، اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران (حکم شماره ۱-۳۳-۱۳۵ [۲۲ ژوئن ۱۹۸۴/اول تیرماه ۱۳۶۳] که در 6 Iran-U.S. C.T.R. 149 به طبع رسید)، پیدا شد و آن اشتباه نباید تکرار شود.

رجوع کنید به نظر جداگانه هوارد ام. هولتزمن، در سی - لند سرویس، اینکوریپتد و دولت جمهوری اسلامی ایران حکم شماره ۱-۳۳-۱۳۵ صفحات ۶۴ تا ۷۰ (متن انگلیسی) [اول نوامبر ۱۹۸۴ / ۱۰ آبان ماه ۱۳۶۳] که در Iran-U.S. C.T.R. 6 213-16 به طبع رسید. همچنین رجوع کنید به:

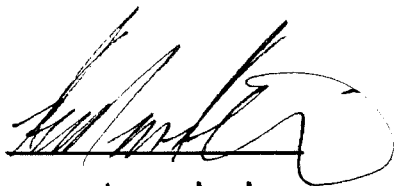
Shreuer, Unjustified Enrichment in International Law, 22 Am. J. Comp. L. 281, 289-91 (1974); Sucrerie de Roustchouk c. Etat hongrois, 5 Recueil des Decisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 772 (1925); Landreau Claim (U.S. v. Peru), 1 Rep. Int'l Arb. Awards 347, 352 (1922); Jno. P. Putegnat's Heirs (U.S. v. Mex.), cited in 3 M. Whiteman. Damages in International Law 1734 n. 427 (1943).

فلکسی - ون همچنین مبلغی را که دولت در نتیجه قصور در پرداخت بدهی خود به فلکسی - ون به آن میزان بنحو غیر عادلانه دارا شده است، بعنوان خسارت مطالبه می‌کند. دیوان از بررسی این موضوع در حکم امتناع نموده و اظهار داشته که "دیوان نمی‌تواند ادعای دارا شدن بلاجهت را بنحوی که ارائه گردیده... بصورتی تفسیر کند که ادعای دیون پرداخت نشده را نیز در بر گیرد". صفحه ۳۰ حکم. به عبارت دیگر دیوان یک جنبه مهم ادعای دارا شدن بلاجهت را به دلیل آنکه با صراحت کافی بیان نگردیده، رد کرده است. بدین ترتیب دیوان اشتباهی را که در پرونده مارک دلال و جمهوری اسلامی ایران (حکم شماره ۱ - ۱۴۹ - ۵۳، صفحه ۳ (متن انگلیسی) [۱۰ ژوئن ۲۰/۱۹۸۳ خردادماه ۱۳۶۲] که در Iran-U.S. C.T.R. 10,11 3 به طبع رسید)، مرتکب شد تکرار می‌نماید، پرونده ای که در آن نیز دیوان به داعیه دارا شدن بلاجهت به دلیل آنکه بنحو صحیح عنوان نشده، توجهی نکرد. رجوع کنید به نظر مخالف هوارد ام. هولتزمن، در پرونده مارک دلال و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۱۴۹-۵۳، صفحات ۲۵ تا ۳۰ (متن انگلیسی) [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳/۵]

مردادماه ۱۳۶۲]، که در 3 Iran-U.S. C.T.R. 17, 30-32 به طبع رسید. در این پرونده نیز مانند پرونده دلال مطالعه دقیق لوایح تسلیمی نشان می دهد که دارا شدن بلاجهت که برای آن جبران خسارت مطالبه شده، واقعا" در لوایح مزبور منظور شده است. در واقع فلکسی - ون به عنوان غرامت در ازا" دارا شدن بلاجهت دولت، از جمله، حسابهای دریافتنی و اجاره بهای پرداخت نشده ناشی از قراردادهای اجاره را مطالبه نموده است. حتی دیوان اعلام می نماید که "از مبالغ مورد مطالبه می توان استنباط نمود که (فلکسی - ون) معتقد است که دولت تا میزان دیون پرداخت نشده استرالاین و ایران اکسپرس، بلاجهت دارا شده است". صفحه ۳۰ حکم. تقاضای جبران خسارت ناشی از دارا شدن بلاجهت نهیبی است بر وجدان دیوان که نباید آنرا به بهانه آنکه با وضوح و صراحت کافی بیان نشده، ناشنیده گرفت.

چنانچه دیوان این موضوع را مورد بررسی قرار می داد، همانطوریکه می بایستی می داد، ناگزیر به این نتیجه می رسید که موقعی که شرکتهای صادره شده توسط دولت وجوه را نگه داشتند بجای آنکه از آن برای پرداخت بدهی های قانونی خود استفاده کنند، در واقع دولت به نحو غیرعادلانه ای دارا گردید. این مطلب که اگر کسی صورت حسابهای خود را نپردازد، پول بیشتری در جیب خود خواهد داشت، مستلزم توضیحات بیشتر" بدانسان که دیوان می خواهد و یا هیچگونه تجزیه و تحلیل پیچیده اقتصادی نیست.

لاسه، به تاریخ ۵ نوامبر ۱۹۸۶ [۱۴ آبان ماه ۱۳۶۵]



هوارد ام. هولتزمن